



شهید قاسم سلیمانی

شهید میبدین نصرالله

شهید ابوبهی العهنس

شهید مصطفی چمران

شهید الوارو انبلی

شهید حسن شاطری

شهید صن پهلرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید مصن لفرزاده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمصطفی حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم زکافی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

هوایپمای ۱۴–۴ یا به اصطلاح (تام‌کت) یک هوایپمای نظامی از نوع «گیره» است که «ساموریت پدافندی» دارد. به این معنا که در واقع ماموریت «هوایپا» پدافندی را این نوع هوایپما در جغرافیای آسمان کشور بر عهده می‌گیرد.

حضور این نوع هوایپمای «هوایپا» در زمان دفاع مقدس سبب شد تا حدود بسیار زیادی از این هوایپما در عملیات‌های پدافندی استفاده شند و خلبان‌های این نوع هوایپما از زبده‌ترین و خیره‌ترین خلبانان و موثرترین آنان در مواجهه با حملات هوایی دشمن بودند.

دلیل انتصاب این‌نوع هوایپما به هوایپمای رهگیر، ویژگی‌های فیزیکی و قابلیت‌های فنی آن است که علاوه‌بر شناسایی اهداف امکان درگیری و شلیک نیز در مامیت ساخت این هوایپما دیده شده است.

فارغ از دامنه حماقت صدام برخی کارشناسان نظامی معتقد هستند که یکی از علل جنگ تحمیلی خارج کردن این نوع هوایپما از دسترس ایران بود که آمریکا جهت دستیابی به این هدف صدام را وسیله قرار داد.

البته باید این نکته را افزود که پیش از آغاز جنگ با استفاده از افراد نفوذی در بنده حاکمیت و دولت موقت و… تلاش صورت گرفت تا به انحای مختلف این هوایپماها از ایران خارج شود که این اقدامات را می‌توان در چارچوب هیجانات اولیه بعضی از افراد و یا عدم آگاهی آنها یا خیانت محض در نظر گرفت که با استفاده از موضوع تستویه و پالایش در ارتش و اخراج مستشاران آمریکایی موضوع فروش و خارج ساختن این نوع هوایپما بیشتر مطرح شد.

آمریکا و شاه سی سال رابطه تسلیحاتی
کتساب «آمریکا و شاه سسی سال رابطه تسلیحاتی» نوشته استفن مک گلینچی که سال ۲۰۱۴ توسط انتشارات رانج به چاپ رسید، می‌تواند پاسخ‌های مستدل و مناسبی درباره مسئله مورد نظر هوایپمای ۴–۱۴ داشته باشد. ترجمه فارسی این کتاب به‌قلم محمد شمس‌الدین عبداللّهی‌نژاد توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است.

برخی معتقدند اگر در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، هوایپماهای نظامی و ترابری مختلفی از آمریکا خریداری نمی‌شد کار ایران در نبردهای هوایی روزهای ابتدائی جنگ با رژیم بعثی گره می‌خورد. البته مسلم است که سبب بیشتر موفقیت‌های ایران در نبردهای هوایی جنگ را باید متوجه خلبانان و پرسنل نیروی هوایی اندست که با ایثار و ازخودگذشتگی عجیب، در جنگ و دفاع از میهن گرانامه قابل توجه و قابل تأملی از خود به‌جا گذاشتند.

به‌رغم بعضی ادعاها باید به این نکته توجه کرد که شاه این هوایپماها و دیگر تجهیزات تسلیحاتی مختلف را برای چنین روزی(جنگ ایران و صدام) خریداری نکرده بود. چون با شرایط کشور، حمایت‌های آمریکا و خودکامگی او، روزبه‌روز در شخصیت وی بیشتر می‌شد،احتمال نمی‌داد روزی حکومتش سرنگون شود. واقعیت این است که همان طور که صاحب‌نظران و تاریخ‌نگاران خارجی روایت می‌کنند، چنین خریدهای کالبی- در حالی که بسیاری از مردم ایران در فقر و فلاکت به سر می‌بردند و در حالی که دولتسرمدان آمریکا روزی از شاه نگران تورم و وضع اقتصادی ایران بودند- به قصد تثبیت سلطنت پهلوی و تثبیت موقعیت ایران به عنوان ژاندارم آمریکا در خاورمیانه انجام می‌شد تا دیوار نفوذناپذیری استفن شوری باشد.

سال ۱۹۶۸ ایران به تنهایی بزرگ‌ترین خریدار جنگ‌افزارهای آمریکا به‌شمار می‌رفت و سالانه تقریباً ۱۵۰ میلیون دلار خرید می‌کرد. این ماجرا با خریدهای گلم‌گسیخته سالانه چندمیلیارد دلاری تسلیحات بسیار پیشرفته تا سال ۱۹۷۸ ادامه

کتاب‌شناسی غزه به ۱۴ زبان بین‌المللی منتشر شد



«کتاب‌شناسی اختصاصی غزه» اثری پژوهشی و مرجع است که مؤلف آن «دکتر سید حجت الحق حسینی» و ناشر آن دانشگاه جامع انقلاب اسلامی» است.

این کتاب ۸۶۲ صفحه‌ای در شمارگان ۵۰۰ جلد به طبع رسیده که حاصل کاوش از ۱۳۷ کتب خانه ملی و دانشگاهی و وبگاه‌های پژوهشی از ۲۱ کشور

جهان (نظیر آلمان، اردن، اسپانیا، اندونزی، انگلستان، آمریکا، ایتالیا، برتغال، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، چین، ژاپن، سوریه، سوئد، سوئیس، عراق، فرانسه،

فلسطین، قطر، لبنان، هلند و…) است.

کتاب‌شناسی اختصاصی غزه دربردارنده ۴۴۴

گزارش، مقاله و نسخه خطی به ۱۴ زبان بین‌المللی است.

این کتاب مرجع با دبیاچه و پیش‌درآمدی آغاز می‌شود و در بخش نخست آن دو بخش گنجانده شده: «رنگی بر تاریخ و فرهنگ غزه» و «حضرت هاشم گنج پنهان غزه» و در بخش دوم کتاب شامل «کتاب‌شناسی اختصاصی غزه به زبان‌های نوشتاری» است که با منابع آلمانی آغاز می‌شود و با منابع فرانسوی به پایان می‌رسد. بخش سوم کتاب نیز شامل «نماه‌های اعلام» و بخش چهارم شامل معرفی مراجع و وبگاه‌های پژوهشی است.

در بخش دبیاچه کتاب فوق آمده است: «سازمان بسیج اصناف، بازاریان و فعالان اقتصادی کشور» براساس وظیفه ذاتی خود در دفاع همه‌جانبه از مردم مظلوم و مقتدر غزه و به منظور تحقق اوامر و امر مسلمین: «هر ضربه به رژیم (صهیونیستی) از سوی هر کس و هر مجموعه خدمت به کل منطقه بلکه به کل انسانیت است» بر خود فرض دانست که از پژوهش منحصر به فرد، عمیق و گسترده استاد پژوهشگر و گرانقدر دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی جناب آقای دکتر سید حجت‌الحق حسینی با عنوان «کتاب‌شناسی اختصاصی غزه» که با توکل به ذات اقدس ربانی و با توسل به چهارده معصوم برگزیده الهی (علیهم‌السلام) به ۱۴ زبان بین‌المللی تدوین شده است حمایت کرده و این اثر گران‌سنگ را در اختیار مراکز معتبر علمی جهان و پژوهشگران قرار دهد…

پیدا کرد و این رابطه تسلیحاتی یکی از وجوه تعیین‌کننده روابط ایران و آمریکا پیش از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ بود و همتایی نداشت.

اهداف آمریکایی

بر اساس روایات مستند به اسناد شفاهی و مکتوب، در مرحله نخست رابطه تسلیحاتی ایران و آمریکا، ترومن، آیزنهاور و کندی حضور دارند که بنیان این رابطه بنا گذاشته شد و هدف از کمک نظامی به ایران، صرفاً استوارشدن رژیم شاه بود. این رابطه را ترومن در سال ۱۹۵۰ بنا گذاشت و آیزنهاور و کندی بازسازی‌اش کردند. در قدم بعدی، در دوره لیندون جانسون از سال ۱۹۶۳ تا ۶۹ روایت دو کشور از نظر کمی و کیفی رشد پیدا کرد و ایران از یک دنباله‌روی کم‌توان و وابسته به آمریکا، به یک شریک قابل‌اعتماد نوظهور تبدیل شد. این روند- که در آن، ایران دلارهای نفتی بسیار داشت باید هزینه جنگ‌افزارهای دلخواهش را می‌پرداخت- از سال ۱۹۶۸ شروع شد. البته در دوره جانسون، خدمتشی نظامی آمریکا در قبال آمریکا همچنان محدود به بقای رژیم برگیرای شاه و جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران بود. شاه در دوره‌های مختلف رابطه تسلیحاتی با آمریکا، وقتی احساس می‌کرد توجه آمریکا نسبت به او کم شده، از سیاست استفاده می‌کرد که به‌نام سیاست لیه پرنگاه معروف است و در آن خود را نسبت به شوروی متمایل نشان می‌داد تا توجه آمریکا را جلب کند. با آمدن ریچارد نیکسون

بر سر کار، روابط تسلیحاتی ایران و آمریکا دچار یک انقلاب عظیم شد که در آن فروش هر نوع تسلیحاتی به‌جز سلاح هسته‌ای به ایران مجاز بود. دوره ریاست‌جمهوری نیکسون از سال ۱۹۶۹ تا ۷۴ بود و پس از استعفاى اجباری او، جerald فورد رئیس‌جمهور شد که در دوران او، رابطه نظامی ایران و استراتژیکی که نیکسون با ایران آغاز کرده بود، ادامه پیدا کرد. پس از فورد هم، جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا شد که با شعار افزایش نفقات بر قراردادهای تسلیحاتی و ملاحظات تحریک‌پذیری در سیاست خارجی آمریکا روزی آمد اما در عمل، در سال ۱۹۷۷ و تصدی او بر ریاست‌جمهوری آمریکا، بیش از هرسال دیگری به این سلاح فروخته شد.

در مقدمه کتاب استفن مک گلینچی چنین آمده است: «زمانی که شاه از سربر قدرت فرو افتاد، ایالات‌متحده صرفاً یک متحد یا رابطه با یک مشتری دنباله‌رو را از دست نداد، بلکه بنای سیاست آمریکا در خلیج‌فارس به کلی فروپاشید. طرح نیکسون برای تمرکز امنیت منطقه‌ای آمریکا



عزیزالله محمدی(امتدادجو)

حول ایرانی پیشرفته از نظر نظامی، که بر شالوده رابطه نظامی دو کشور در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ قرار داشت، متلاشی شد و به‌جز تن دادن به حضور نظامی مستقیم در خلیج‌فارس که مخالفت زیادی با آن وجود داشت، گزینه‌های اندکی برای ایالات‌متحده باقی ماند». آنچه گفته شد نگاهى بر اهمیت تجهیز ایران از سوی آمریکا بود که به صورت یک کلان سیاست منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در ابعاد نظامی و داخلی آمریکا بود و دکترین‌اش بر همین مبنا شکل گرفت. این تغییر رویکرد آمریکا برای شاه، سرنوشت‌ساز بود. دکترین جدید با ملاحظه‌کاری آگاهانه، بیشتر تمرکز آمریکا را به مناطق حساس مثل جنوب‌شرق آسیا و اسرائیل معطوف کرد. طبق این دکترین، «از متحدان همدل و توانمند خواسته می‌شد تا به سوی تبدیل شدن به خریداران اعتباری تجهیزات نظامی گام بردارند نه این‌که به کمک‌های بلاعوض نظامی هنگفت و وعده‌های پشتیبانی مستقیم آمریکا متکی باشند».

نیکسون در این مقطع زمانی به ایران نگاه استراتژیک هم دارد و سعی می‌کند مسئولیت منطقه‌ای به ایران واگذار کند تا توجه بیشتری برای فروش سلاح به ایران وجود داشته باشد. سال ۱۹۶۹ شاه سفری به آمریکا جهت درازمدت روابط آمریکا برای پروژه‌هایی مانند توسعه کلان بزرگراهی و مخابراتی، ساختن بندر در آب‌های عمیق خلیج‌فارس جایگزین تریبات ویژه سال‌های گذشته شدند. این تغییر تا اندازه زیادی به‌دلیل عضویت ایران در پیمان سنتو، ضروری بود. در زمان کندی هم رویکردی که او داشت و به آن اشاره کردیم، مانع شد روی خوش به شاه نشان دهد و شاه نیز از این وضعیت ناراضی بود و عدم رضایتش را هم بیان می‌کرد. برآورد اطلاعات ملی آمریکا (NIE) در فوریه ۱۹۶۱ نشان می‌داد احتمال وقوع تغییرات ناگهانی در ایران با وقوع یکانقلاب زیاد است. چندعامل هم وجود داشتند که حکومت شاه را تهدید می‌کردند: عوامل خارجی، گرایش‌های مدرنیستی شاه و پیشرفت از اسرائیل که باعث غمناکیت مسلمانان جهان و روحانیت شیعه و اقدامشان علیه او شده بود، اقدامات مخالفان سیاسی و وضعیت وخیم اقتصادی مردم هم در کنار هم وضعیت مترنوبی را برای حکومت شاه ساخته بودند. همان‌زمان بود که کاردار سفارت برتانیای اعلام کرد چشم‌انداز بقای شاه با یک‌مشکل جدی مواجه است. اوایل مه ۱۹۶۱ هم به دلیل افزایش بی‌ثباتی داخلی و اعتراض‌های خشنونت‌بار خیابانی در تهران، آذیر خطر در واشنگتن به صدا درآمد. در نتیجه کندی کارگروه ویژه ایران را تشکیل داد و به شاه توصیه‌هایی فوری مبنی بر کاهش هزینه‌های نظامی و شمار کارکنان ارتش کرد. رویکردی هم که به این کارگروه ابلاغ شد، چنین بود که هرگاه شاه درخواست تسلیحات پیشترت، پاسخ کندی اصلاحات بیشتر خواهد بود.

تعمیر ریاست‌جمهوری‌های مختلف در آمریکا از سوی دیگر افزایش قیمت جهانی نفت میل شاه را در برخی موارد پشنگاه و پنجاه به‌رغم فقر مطلق جامعه برای به دست آوردن تسلیحات نظامی بیشتر کرده بود و تعبیر آمریکائی‌ها این بود که او با این تجهیزات دارد اسباب‌بازی نظامی جمع می‌کند.

چک سفیدامضاء

کش‌مکش‌های مختلف سیاسی و ملاحظات آمریکا گاهی مانع از این می‌شد که آمریکا به درخواست‌های شاه جواب آنی و فوری بدهد و گاهی حتی از عواقب اجتماعی و ایجاد دیدگاه ضدآمریکایی در ایران نیز واهمه داشتند و به همین دلیل در برخی موارد پاسخ‌های صریح نمی‌دادند و یا اینکه در برخی موارد حتی سعی می‌کردند تا این مواقع برای شاه تردید ایجاد کنند که این تجهیزات به درد ایران نمی‌خورد. استراتژی شاه در چنین مواقعی استفاده از رقیب برای تحریک آمریکا بود که گاه با پیش کشیدن خرید از شوروی، آمریکائی‌ها را وادار به واکنش مثبت جهت فر وش تجهیزات نظامی می‌کرد و سری‌های مختلف تجهیزات نظامی به ویژه هوایپماهای ۴–۴ و ۵–۵ وارد ایران شدند؛ اما این پایان کار نبود.

نیکسون در مه ۱۹۷۲ به تهران سفر و با شاه توافقی را امضا کرد که به موجب آن آمریکا می‌توانست هرگونه تسلیحاتی را به هر تعداد که می‌خواهد به ایران بفرستد از نظر نظامی، که بر شالوده رابطه نظامی دو کشور در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ قرار داشت، متلاشی شد و به‌جز تن دادن به حضور نظامی مستقیم در خلیج‌فارس که مخالفت زیادی با آن وجود داشت، گزینه‌های اندکی برای ایالات‌متحده باقی ماند». آنچه گفته شد نگاهى بر اهمیت تجهیز ایران از سوی آمریکا بود که به صورت یک کلان سیاست منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در ابعاد نظامی و داخلی آمریکا بود و دکترین‌اش بر همین مبنا شکل گرفت. این تغییر رویکرد آمریکا برای شاه، سرنوشت‌ساز بود. دکترین جدید با ملاحظه‌کاری آگاهانه، بیشتر تمرکز آمریکا را به مناطق حساس مثل جنوب‌شرق آسیا و اسرائیل معطوف کرد. طبق این دکترین، «از متحدان همدل و توانمند خواسته می‌شد تا به سوی تبدیل شدن به خریداران اعتباری تجهیزات نظامی گام بردارند نه این‌که به کمک‌های بلاعوض نظامی هنگفت و وعده‌های پشتیبانی مستقیم آمریکا متکی باشند».

نیکسون در این مقطع زمانی به ایران نگاه استراتژیک هم دارد و سعی می‌کند مسئولیت منطقه‌ای به ایران واگذار کند تا توجه بیشتری برای فروش سلاح به ایران وجود داشته باشد. سال ۱۹۶۹ شاه سفری به آمریکا جهت درازمدت روابط آمریکا برای پروژه‌هایی مانند توسعه کلان بزرگراهی و مخابراتی، ساختن بندر در آب‌های عمیق خلیج‌فارس جایگزین تریبات ویژه سال‌های گذشته شدند. این تغییر تا اندازه زیادی به‌دلیل عضویت ایران در پیمان سنتو، ضروری بود. در زمان کندی هم رویکردی که او داشت و به آن اشاره کردیم، مانع شد روی خوش به شاه نشان دهد و شاه نیز از این وضعیت ناراضی بود و عدم رضایتش را هم بیان می‌کرد. برآورد اطلاعات ملی آمریکا (NIE) در فوریه ۱۹۶۱ نشان می‌داد احتمال وقوع تغییرات ناگهانی در ایران با وقوع یکانقلاب زیاد است. چندعامل هم وجود داشتند که حکومت شاه را تهدید می‌کردند: عوامل خارجی، گرایش‌های مدرنیستی شاه و پیشرفت از اسرائیل که باعث غمناکیت مسلمانان جهان و روحانیت شیعه و اقدامشان علیه او شده بود، اقدامات مخالفان سیاسی و وضعیت وخیم اقتصادی مردم هم در کنار هم وضعیت مترنوبی را برای حکومت شاه ساخته بودند. همان‌زمان بود که کاردار سفارت برتانیای اعلام کرد چشم‌انداز بقای شاه با یک‌مشکل جدی مواجه است. اوایل مه ۱۹۶۱ هم به دلیل افزایش بی‌ثباتی داخلی و اعتراض‌های خشنونت‌بار خیابانی در تهران، آذیر خطر در واشنگتن به صدا درآمد. در نتیجه کندی کارگروه ویژه ایران را تشکیل داد و به شاه توصیه‌هایی فوری مبنی بر کاهش هزینه‌های نظامی و شمار کارکنان ارتش کرد. رویکردی هم که به این کارگروه ابلاغ شد، چنین بود که هرگاه شاه درخواست تسلیحات پیشترت، پاسخ کندی اصلاحات بیشتر خواهد بود.

مک‌گلینچی در این‌باره می‌نویسد:

«وزارت دفاع به نیکسون توصیه کرد تا ضمن اتخاذ رویکردی سازشکارانه، زیر بار هیچ تعهدی درباره بمب‌های هدایت لیزری نرود، چون اولویت ارتش آمریکا «تاتو یا دیگسر متحدان و نیازهای اضافی خردمان» است، از این‌رو ترجیح می‌داد که انحصار استفاده از این بمب‌ها یا جنگنده‌های ۴–۱۴ و ۱۵–۴ را در اختیار داشته باشد. در عین حال به نیکسون توصیه شد با موشک‌های ماوریک موافقت

پرونده‌ای برای یک «اقدام پهنگام»

کند، به اضافه یک اسکاردارن ۴–۴ و ۵–۵ که جته‌های ارزان‌تر و با پیچیدگی کمتر محسوب می‌شدند و در مقایسه با ۴–۱۴ و ۱۵–۴ برای ارتقای نیروی هوایی ایران واقع‌بینانه به نظر می‌رسیدند. افزون بر این، به او پیشنهاد شد شاه را مطمئن سازد، با وجود مخالفت جدی کنگره، دولت آمریکا به پافشاری خود ادامه خواهد داد تا ایران در خاک خود در کنار تجهیزات نظامی به کمک فنی ارتش ایالات‌متحده دسترسی داشته باشد».

فارغ از این که شاه رعیت خوبی برای آمریکا به‌شمار می‌رفت، ایران هنوز ضعیف‌تر از آن بود که بتواند یورش‌های را از سمت شمال خود با موفقیت دفع کند و نگذارد تجهیزات پیشرفته آمریکایی به دست شوروی بیفتند. با وجود ناراضیاتی پنتاگون، نیکسون تصمیم پیروی از راهنمایی کلی وزارت خارجه، موافقت کرد جنگنده‌های ۴–۱۴ و ۱۵–۴ محض آماده ساختن‌شدن، به شاه فروخته شوند. به این ترتیب نیکسون زیر بار تعهدات بیشتری رفت و تضمین کرد شمار بیشتری تکنیسین نظامی به ایران اختصاص دهد. او به فروش بمب‌های هدایت لیزری نیز رضایت داد. اینها در واقع موارد همان چک سفیدامضای نیکسون به شاه بودند و شاه با آنها، «فنیتمی را به دست آورد که ۲۵ سال بود در بی آن بود.

با شروع سال ۱۹۷۳ رسانه‌های غربی از قرارداد نامتعارف نظامی آمریکا و شاه آگاه شدند و شروع

نمایندگان آمریکا، نگاه دقیقی به سیاست تسلیحاتی انداخت. جمع‌بندی کمیته هم این بود که منطق سیاست نیکسون در مسلح‌کردن نایبان منطقه‌ای آمریکا مثل ایران و عربستان سعودی، نه یک استراتژی چندلایه حساب‌شده بلکه آشفتنه و سنسجیده بوده است. اعطای نامتعارف جنگ‌افزارها به ایران که تقریباً نیمی از فروش‌های اعتباری سال ۱۹۷۴ (معادل ۲۶۸میلیارد دلار) را به خود اختصاص داد، کنگره را برانگیخت تا بی‌وقفه بر

فروش جنگ‌افزارها نظارت کند که ایران در مرکز توجه آنان قرار داشت. به این ترتیب کنگره در اواسط ۱۹۷۴ قانونی را تصویب کرد که دولت را ملزم می‌کرد اطلاعات کامل مبالغ فروش‌های نظامی را علنی کند. این موضوع باعث شد میزان هنگفت فروش تسلیحات به ایران برای اولین‌بار افشا شود.

فهرست بلندبالایی که در این زمینه منتشر شد، تجهیزاتی را که ایران از ابتدا تا آن روز از آمریکا خریده بود، این‌چنین افشا می‌کرد و در صدر این جدول هوایپماهای ۴–۱۴ قرار داشت که به تعداد هشتاد فروند سفارش ایران بود.

ویژگی ذاتی انقلاب اسلامی
و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

با رسیدن به پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت موقت چند موضوع در سطح ارتش و دولت برجسته شد و از زوایای مختلف دیدگاه‌های متفاوتی را ایجاد کرد که این دیدگاه‌ها به لحاظ منافع ملی و امنیتی در تضاد به هم و دقیقاً در نقطه مقابل به هم قرار داشتند.

موضوع انحلال ارتش و واکنش‌های مختلف از جمله واکنش امام خمینی(ره) و شهید چمران و آیت‌الله خامنه‌ای در نقطه مقابل تفکری بود که می‌خواستند ارتش را دچار انحلال نمایند.

موضوع دوم اخراج مستشاران آمریکایی بود که به‌طور مستقیم آیت‌الله خامنه‌ای به‌نمایند امام در

ارتش بر این موضوع بر اساس ذات استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی اصرار ورزید و قریب به پنجاه‌هزار مستشار نظامی از مراکز نظامی ایران تخلیه و به آمریکا بازگشتند.

بعد از اخراج آمریکائی‌ها بود که زمزمه‌های مختلفی درخصوص نگهداری تجهیزات آمریکایی و قراردادهای نظامی به گوش رسید و دولت وقت یعنی دولت آقای بازرگان مصرا نه درصدد لغو قراردادهای تجهیزاتی و تسلیحاتی درآمد و خسران جبران‌ناپذیری در لغو یکطرفه قرارداد نه میلیارد دلاری به ایران وارد شد و آمریکا نعتنهایت تجهیزات و تسلیحات مورد معامله را واگذار نکرد بلکه نه میلیارد دلار را نیز به ایران هنوز بازپس نداد. این موضوع تقریباً نیمی میلیارد دلاری، زمزمه‌هایی برای فروش هوایپماهای ۴–۱۴ از داخل دولت به گوش رسید که آقای ابراهیم یزدی و سخنگوی دولت موقت آقای طباطبائی پیشگام این نظریه بودند که به‌طور حتم هوایپماهای ۴–۱۴ باید به فروش بروند.

به‌همین‌دلیل کارخانه گرومن یعنی سازنده این هوایپما در آستانه ورشکستی قرار گرفت. اما علاقه شدید شاه به قرارداد ۴–۱۴ باعث شد این قرارداد از جنگ کنگره بگریزد و عملیاتی شود. وقتی فروش این جنگنده پیشرفته در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۴ نهائی شد، شاه هم موافقت کرد به اندازه وزارت دفاع قراردادها را حمایت مالی از کارخانه گرومن سپهم داشته باشد.

پس از این ماجرا، او خود را نجات‌دهنده یکی از پیشرفته‌ترین تجهیزات نیروی دریایی آمریکا به کارخانه سازنده‌اش می‌دانست. او در ازای معامله قراردادهای صادرات ۴–۱۴ و ۱۵–۴ خرید ۱۰ چشم‌پوشی کرد.

در سال ۱۹۷۴ اسرائیل دو اسکاردارن از این هوایپما را و در نیمه دهه ۱۹۷۰ هم عربستان سعودی و ژاپن علاقه شدیدی به آن پیدا کردند. بنابراین قراردادهای صادرات ۴–۱۴ و ۱۵–۴ با خریداران متنوع برای همه طرف‌ها کم‌ویش منفهانه از کار درآمد.

پس از ماجرای واتر گیت و بی‌انضباطی‌های مالی نیکسون، کمیته امور خارجی مجلس

صفحه ۷

چهارشنبه ۸ اسفند ۱۴۰۳

۲۷ شعبان ۱۴۴۶ – شماره ۳۳۸۰۶



البته مسلم است که از داخل ارتش نیز به این افراد مشاوره‌های داده شده بوده که بعدها ردیای بعضی از افراد را در ماجرای کودتای نقاب می‌شد احساس کرد که چگونه با آمریکا همکاری داشتند و یا حتی در ماجرای طیس هم بعضی اقدامات را می‌شد از داخل ارتش جست‌وجو کرد.

استدلال اولیه این اشخاص این بود که اولاً ایران دیگر ژاندارم منطقه نیست و نیازی به این تسلیحات و تجهیزات ندارد. در ثانی با اخراج آمریکائی‌ها امکان تعمیر و نگهداری این تسلیحات نظامی در ایران وجود ندارد. و ثالثاً در ازای بازگشت پول ۴–۱۴ها می‌توان صنایع کشاورزی را تقویت کرد و تجهیزات موردنیاز کشاورزی می‌شود خریداری کرد.

پاکستان یکی از مشتری‌های هوایپماهای ۴–۱۴ بود که به هر نحو خواستار این نوع از هوایپماها بود و مقدم‌تر از پاکستان این خود آمریکا و کارخانه سازنده ۴–۱۴ بود که مشتاقانه به دنبال خرید این نوع هوایپما بود و حتی حاضر بود که قیمتی بالاتر از خرید ایران را بپردازد.

در همان زمان اسرائیل خواهان خرید بیشتر از نوع این هوایپما از آمریکا بود که مسلماً به سبب خروج این هوایپماها در اختیار اسرائیل باید قرار می‌گرفت.

این خبر با گفت‌وگوی آقای یزدی در روزنامه کیهان در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (بیشتر برجسته شد و سخنگوی دولت نیز به آن نکیه و تاکید داشت.

انقلاب در یک وزارتخانه حضور دارند و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان معاون امور انقلاب وزارت دفاع در وزارت دفاع حضور دارند و بر قراردادهای و امورات نظامی دقت نظر بیشتری دارند.

روایات شفاهی خود ایشان و براساس اسناد موجود تصویری و مکتوب این‌گونه است که ایشان در مشهد حضور داشتند و خبر فروش ۴–۱۴ها به ایشان می‌رسد ولی چون مجالی برای بازگشت به تهران نبوده و یا اینکه شرایط اقدام خاصی برای جلوگیری از فروش هوایپماها وجود نداشت از یک شیوه جدید استفاده می‌شود.

مشی رفتاری و تاکید ایشان بر سایرین همواره چنین بوده که انسان باید هر کاری را در زمان خودش و «پهنگام» انجام دهد و از این مشی رفتار تحت عنوان «اقدام به هنگام» یاد می‌کنند.

یکی از لحظه‌های حساس و تاثیرگذار بر فرایند امنیتی و نظامی ایران حضور و تدبیر بموقع ایشان نسبت به جلوگیری از فروش ۴–۱۴ها بود که ایشان چون مجالی برای بازگشت به تهران نبوده از همان مشهود اقدام مؤثر خودشان را بی می‌گیرند و با احضار رادیو و صدور بیانیه مانع فروش هوایپماها می‌شوند.

در این بیانیه شفاهی چنین ذکر می‌شود که «لغو و یا انعقاد هرگونه قراردادهای نظامی» بدون اخذ مجوز از معاونت امور انقلاب وزارت دفاع ممنوع» و هر کس مرتکب این اقدام (فروش هوایپماهای ۴–۱۴) شود به‌طور مسلم خیانت کرده است.

این اقدام پهنگام و شجاعانه که همراه با افق دید نسبت به موضوع توانمندی نظامی و تجهیزاتی کشور بود کارکرد اصلی خودش را بعدها در جنگ ایران و رژیم بعث نمایان کرد که این نوع هوایپما با ویژگی‌های پدافندی و درگیری و رهگیری که داشت همواره به عنوان یک سلاح مؤثر پدافندی در اختیار خلبانان نیروی هوایی ارتش بود و خیلی از تهاجمات هوایپماهای دشمن را خنثی و ناکام گذاشت.

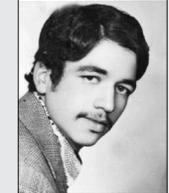
نوع ورود آیت‌الله خامنه‌ای برای جلوگیری از فروش ۴–۱۴ها از چند وجه دارای اهمیت است که در ابتدا گویای افق دید ایشان به موضوع تمامیت ارضی و توان نظامی و دفاعی هست و در ثانی جلوگیری از خسارت مالی دیگر به غیر از نه میلیارد دلار و ثالثاً حضور بی‌واسطه ایشان به عنوان یک معاون وزارت دفاع است که نشان از تاثیر عملکرد یک مدیر موفق می‌تواند باشد و الگویی برای مدیران جهت اخذ تصمیمات درست و دقیق.
منابع:

- کتاب آمریکا و شاه
- سلسله مقالات خبرگزاری مهر برپاومر خرید و فروش هوایپمای ۴–۱۴
- پایگاه خبری تابناک.
- کتاب تاریخ نیروی هوایی (دفتر مطالعات نیروی هوایی)
- مستند در لباس سربازی و روایت‌های شفاهی آیت‌الله خامنه‌ای.
- اسناد ارائه شده در نمایشگاه در لباس سربازی مؤسسه انقلاب.
- مجله صف ارتش

یک شهید، یک خاطره

مثل مادر وهب

مریم عرفانیان



حسین در دانشگاه تهران تحصیل می‌کرد که کارتر رئیس‌جمهور آمریکا به تهران آمد و دانشجویان علیه او تظاهرات راه انداختند. تا مدتی از پسریم بی‌خبر بودیم، اما ۱۰ روز بعد به ما خبر دادند که توسط ساواک دستگیر و در زندان قصر است! قسوری هم‌راه مادرش به تهران رفیم. سپس از مراجعه به دادگستری با ضمانت سیصد هزار تومان همراه سندن منزل یکی از اقوام حسین را آزاد کریم. وقتی از زندان بیرون آمد تا چشمش از ما افتاد رو به مادرش گفت: «شما باید مثل مادر وهب صورت باشی.»

آن وقت با ناراحتی ادامه داد: «باید به زندان می‌اومدین.»

بعد از شهادت حسین، همسر مثل مادر وهب می‌گوید: «با شهادت رو تسفید کردی مادر.»

خاطره‌ای از شهید حسین شوریده

راوی: محمدعلی شوریده، پدر شهید